



هجد همین «تربیون محله» خراسان رضوی، پای درد دل و دغدغه های اهالی منطقه «مهرآباد»

مهرنآباد

رفت و بگری و ببند، صفای خودش را داشت. تربیون محله این هفته خراسان رضوی را پر دیم میان مردم شریف مهرآباد که از امکانات اولیه در محل زندگی شان محروم و با ناامنی دست به گریبان هستند، شاید شنیدن و انعکاس مشکلات کهنه محله شان توسط رسانه و شهر دار منطقه «حسین عبدا...زاده» مرهمی باشد بر دل پر دردشان.

است که چند سال قبل، جمعه ها در این محله برقرار بود. یک بازار پر رفت و آمد که هم ما محتاج مشتریان را تامین می کرد و هم منبع درآمد تعداد زیادی از اهالی مهرآباد بود. این روزها که به هزار دلیل، مهرآباد دیگر جمعه بازار ندارد، هر چند از امش به محله برگشته و از شلوغی و ترافیک و هیاهو خبری نیست اما اهالی محله معتقدند همان آمد و

گزارش: نوید زندهر و حیان عکس: میثم دهقانی | این جا «مهرآباد» است؛ محله ای در شرق کلان شهر مشهد و هجد همین مقصد ما در تربیون محله خراسان رضوی. یک منطقه محروم، حوالی حاشیه شهر که به رغم کاستی هایش، برای مشهدی های اصیل نوستالژیک و خاطر ه انگیز است. چرا که یادآور خاطره «جمعه بازار» شلوغ و پررونقی

ه قاب از منطقه مهرآباد



● مادر شهید «علیرضا سالک» از شهدای محله تنها، جلوی در خانه نشسته بود و گفت: هیچ گله ای از هیچ چیز ندارم.



● پاکبان محله از نبود دستگاه حضور و غیاب پاکبان ها در محله گله داشت و می گفت مجبورم برای ثبت حضور در شروع و پایان شیفت، اول به شهرداری منطقه بروم، بعد به محله بیایم و کار را شروع کنم.



● بن بست مهرآباد یکی از چندین کوچه بسیار باریک و تنگ محله مهرآباد.



● احسان می گفت سارقانی که در محله رفت و آمد دارند، چندین بار دوچرخه اش را دزدیده اند.



● به رغم همه محرومیت ها، زندگی در مهرآباد مهرنیده جاری است.

یک محله، بی بهره از امکانات اولیه شهری

پیرمردی سرزنده که چهارپایه ای جلوی در مغازه سبزی فروشی اش گذاشته و رفت و آمد مردم را نظاره می کند به همراه دوستش، اولین کسانی هستند که متوجه حضور ما بر ای شنیدن مشکلات محله مهرآباد می شوند و سر حرف را باز می کنند. «جواد جایی» می گوید: «مشکل ترافیک، میراثی است که از زمان جمعه بازار در این محله، حل نشده باقی مانده. چیزی به اسم خط کشی و چراغ راهنمایی، این جا وجود ندارد. عرض خیابان در بخش هایی از بولوار آن قدر کم است که دو خودرو نمی توانند از کنار یکدیگر عبور کنند. در این محله از طرح آگو محروم هستیم؛ سال هاست که از ما بابت ایجاد این طرح پول گرفتند، اما هیچ خبری نیست و هنوز و همچنان، فاضلاب متعفن و بدبودر همه کوچه ها و خیابان های محله جاری است. گویا مسئولان شهری یا پول ما، فقط بالا شهر را سرو و سامان می دهند و از حال ما حاشیه نشین ها، غافل هستند و این ظلم است.»



جای خالی جمعه بازار به زبانه دادن تبدیل شده

چند مرد که کنار هم جمع شده اند، از بیکاری ناشی از تعطیلی جمعه بازار مهرآباد گله دارند و یکی از آن ها می گوید: «وقتی جمعه بازار بود، ترافیک و شلوغی بود اما زندگی هم در محله جریان داشت. من فقط از طرف خودم حرف می زنم نه از سوی کل اهالی محله، چون شاید عده ای با نظرم مخالف باشند اما لطفا بروید و ببینید فضایی که روزی محل کسب و کاریک عده فروشنده و کارگرز حمتکش و ابرومند بود و در عین حال، نیازهای مردم را رفع می کرد، حالا به زبانه دادن و محل ریختن نخاله و ضایعات ساختمانی تبدیل شده است. اگر از فضای جمعه بازار برای احداث یک پارک و بوستان و زمین ورزشی استفاده می شد، به خدا دل نمی سوخت. اما حالا از خودم می پرسم چرا محله را از جمعه بازار محروم کردند تا زبانه دادن بسازند؟»

● روابط عمومی منطقه ۵ شهرداری در این باره توضیح می دهد: «فضای خالی جمعه بازار سابق، اکنون نه زبانه دان، بلکه پارکینگ خودروهای سنگین است.»



جزیره ای که از همه طرف باز مین خاکی و بیابان، احاطه شده

آقای «علیرضا ده» که صاحب یک مغازه اسباب بازی فروشی در محله مهرآباد و یکی از بانیان مهدیه محله است، گله می کند: «ما تا به حال هر گونه همکاری با شهرداری منطقه داشتیم و هر چه خواستند اجرا کردیم. قرار بود عقب نشینی انجام دهیم تا بولوار مهرآباد را اجرا کنند و شکل درستی به این محله بدهند، ما هم کمک کردیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است. زمین خالی بزرگی ابتدای مهرآباد وجود دارد که قرار بود در آن برای بچه ها پارک و سالن ورزشی احداث شود، اما نشد. سمت چپ خیابان قرار بود معبری باز شود که شکل نگرفت. سمت راست خیابان قرار بود به محله پنج تن متصل شود، اما نشد. خلاصه به دلیل بدقولی و بدعهدی مسئولان شهری، ما ماندیم و یک جزیره به اسم مهرآباد که از همه طرف، باز مین خاکی و بیابان برهوت احاطه شده و اهالی توسط آن محاصره شده اند. این انصاف است؟»

● شهردار منطقه ۵ شهرداری مشهد، در پاسخ می گوید: «متأسفانه زمین های این منطقه، مالک خصوصی دارد و در این منطقه، هیچ زمینی در اختیار و متعلق به شهرداری نیست. طبیعتاً باید برای ایجاد فضای سبز و اماکن تفریحی ورزشی، زمین ها تملک شود که این کار به هزینه بسیاری نیاز دارد. اما دو زمین، یکی ابتدا و دیگری اواسط مهرآباد شناسایی شده و مورد بحث قرار گرفته و جلساتی نیز با مالکان آن ها انجام شده است تا بلکه بتوان برای این محله امکاناتی در نظر گرفت. قبلاً هم زمین هایی در نظر گرفته بودیم که مثلاً مشخص شد صاحب یکی از همین زمین ها پیش از فوت خود، زمین را به صورت قولنامه ای با بیش از ۴۰ نفر معامله کرده و وراثت او هم سبذ زمین را در دست داشتند. این ها مشکلات کوچکی نیست که به راحتی و در زمان اندک حل و فصل شود. اما ما همچنان در حال مذاکره هستیم تا این اتفاق خوب برای مردم منطقه بیفتد.»



۷۰ سال قدمت

۱۷۲۲۷۴۸ مترمربع مساحت

۲۲۸۶۵ نفر جمعیت

۹۲۷ نفر از اهالی، مهاجر هستند

به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۵ مشهد

اهالی از جولان خلافاکاران و زورگیران در رنج و عذاب هستند

«آقای کریمی» یکی دیگر از اهالی مهرآباد که سال هاست ساکن این محله است، دل پر دردی از ناامنی محله دارد: «ساکنان این محله، مردم اصیل و شریفی هستند. من بیشتر کسانی را که این جا زندگی می کنند، می شناسم و می دانم انسان های سالم و خانواده داری هستند اما متأسفانه مشکلاتی مثل وجود زمین های خالی و بایر، خرابه ها و ساختمان های نیمه تمام و نبود نظارت پلیس، باعث شده این منطقه ناامن و به محلی برای رفت و آمد و جولان دزد و زورگیر و معتاد و فروشنده مواد مخدر تبدیل شود و ساکنان از این شرایط، در رنج و عذاب هستند. بیشتر اهالی منطقه مهرآباد لباس های جیب دار و دکمه دار می پوشند تا زورگیران به راحتی نتوانند پول و مدارک شان را به سرعت ببرند و خیلی وقت ها معلم های مدارس محله، بچه ها را تا نزدیک خانه همراهی می کنند تا اتفاقی برایشان نیفتد. واقعا تکلیف ما با این وضعیت چیست؟»



همه بچه های محل باید رزمی کار شوند!

کمی جلوتر، سر و صدایی که از یکی از مغازه های محله به گوش می رسد، توجهم را جلب می کند. مغازه، یک گیم سنتر ساده و جمع و جور است که بچه های محل از در و دیوارش آویزان هستند. یکی، بازی بقیه را تماشا می کند، تعدادی با سر و صدا بازی می کنند و یک عده هم منتظر نوبت شان هستند و به بازیکنان، جوی می دهند! با حال و هوایشان همراه می شوم و می پرسم: از شرایط محله راضی هستید؟ گله ای، درد دلی، مشکلی ندارید؟ یکی از بچه ها، همین طور که با هیجان بازی می کند، می گوید: «این جانتها دلخوشی و تفریح ما بچه های محل است؛ صحبت کنید یک وام به علی آقا، صاحب مغازه بدهند تا فضا را بزرگ تر کند و یکی دوتا دستگاه دیگر بخرد تا هر روز این قدر برای رسیدن نوبت بازی مان، معطل نشویم.» همه می خندند. یکی دیگر از بچه ها ادامه می دهد: «ما این جای پارک نداریم، سالن ورزشی نداریم، باشگاه ورزش های رزمی که همه مان علاقه مندیم، نداریم.» یکی دیگر از بچه ها می پرد و وسط حرف های نفر قبلی و به طنز می گوید: «توی این محله واقعا وجود یک باشگاه ورزش های رزمی لازم است. همه مان باید دفاع شخصی یاد بگیریم از دست این دزد ها و زورگیر ها و معتاد هایی که امان مان را بریده اند.» همه می خندند زیر خنده و تایید می کنند.



یک زمین خاکی برای بازی پر از سرنگ آلوده و عقرب

از خیابان اصلی وارد کوچه های محله می شوم. خانمی جلومی آید و با نا ارامی می گوید: «از دور که می آمدید، شما را دیدم و صبر کردم به این جا برسید. چرا فقط در خیابان اصلی رفت و آمد می کنید؟ اگر راست می گوئید، بیایید داخل کوچه ها تا آسفالت های خراب و کنده شده و فاضلاب جاری در کوچه ها را ببینید. بیایید تا این زمین خالی و خاکی را که تنها فضای بازی و ورزش برای بچه های ماست، ببینید. زمینی که تابستان ها، گرد و غبار و خاکش به چشم و حلق مان می رود و زمستان ها از گل و لای در رنجیم، شب ها هم مایه ناامنی است. وقتی فرزندان ما در این زمین خاکی فوتبال بازی می کنند، قبل از این که بازی شان را شروع کنند باید سرنگ های آلوده معتادان را از روی زمین جمع کنند تا آسبی به آن ها نزنند. واقعا این شرایط، انسانی است؟ مسئولان حاضرند خانواده خودشان در این شرایط زندگی کنند؟» در حین صحبت، جمعی از افراد محله به ما می پیوندند. خانم «صدیقه نگهبان» گله می کند: «سرنگ را اول کن. این زمین پر از عقرب شده و هر بار بچه هایم این جا هستند، حسابی نگرانم. مردهای محله مجبورند هر از گاهی آتش بزرگی این جا روشن کنند تا عقرب ها را بکشند.»

● «حسین عبدا...زاده» شهردار منطقه ۵ که در گشت و گذار در محله، همراهی مان می کند، در این باره توضیح می دهد: «ما به تازگی آسفالت بخش هایی از مهرآباد را ترمیم کرده ایم و برای آسفالت دیگر کوچه ها هم مشکلی وجود ندارد و انجام می شود. به صورت مودری، شکستگی هایی هم وجود دارد که از همکارانم می خواهیم در اسرع وقت ترمیم شود.»



۳ بار دوچرخه ام را دزدیدند و دوباره با بدبختی، خریدم

«احسان» یکی از بچه های حاضر در جمع، اعتراض می کند: «در این محله شب و روز زورگیر ها و معتاد حضور دارند. هر کدام جایی می نشینند، یا مواد مصرف می کنند، یا کمین می کنند. تا به حال سه مرتبه دوچرخه من را دزدیده اند و دوباره با بدبختی و التماس به پدرم، خریدم. پدرم می گوید دیگر حق نداری دوچرخه از خانه بیرون ببری! مگر می شود در خانه دوچرخه سواری کرد؟» پیرمردی از ساکنان محله، آخرین نفری است که گله می کند: «همین چند روز پیش از یک خودرو دزدی کردند و حتی چرخ های آن را هم بردند و زیرش آجر گذاشتند.»



قرار بعدی تربیون محله یک شنبه ۲۶ خرداد «منطقه خواجهر بیع» یک شنبه ۲۶ خرداد. تربیون محله ای ماهمان «منطقه خواجهر بیع» هستند. اهالی این محله می توانند ساعت ۱۱ صبح جلوی ورودی آر امگاه خواجهر بیع حضور داشته باشند و مشکلات و کاستی های محله خود را در ویدئو بیان بگذارند.